

نطق درمانی به جای اقدام و عمل

سفر رئیس جمهور به استان آذربایجان غربی و سخنان وی در جمع مردم خونگرم و با صفای آن استان و سپس در جمع فعالان اقتصادی استان، به دلیل برخی نکات ذکر شده در آن سخنان، حائز توجه و عنایت ویژه است و نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت.



روحانی: جوانان آذربایجان نباید بیکار باشند!

نطق درمانی به جای اقدام و عمل

سفر رئیس جمهور به استان آذربایجان غربی و سخنان وی در جمع مردم خونگرم و با صفای آن استان و سپس در جمع فعالان اقتصادی استان، به دلیل برخی نکات ذکر شده در آن سخنان، حائز توجه و عنایت ویژه است و نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت.

این‌گونه به نظر می‌رسد که رئیس جمهور در این سفر، یا فراموش کرده که پس از سه سال تصدی دولت سخن می‌گوید، یا با زبان بی‌زبانی و به زبان اشاره و کنایه به مردم فهمانده که کاری از دست دولت یازدهم بر نمی‌آید و منتظر اتفاق تازه‌ای نباشند! این همه در حالی است که اصلاح وضع معیشتی مردم و بهبود فضای کسب و کار و بخصوص ایجاد اشتغال، از مهمترین دغدغه‌های مردم است و رئیس جمهور همچنان با افعال «مضارع» در باره آنها سخن می‌گوید!

باید اشتغال ایجاد بشود!

«چرا در استانی مثل آذربایجان غربی با این همه عظمت و شکوه و با همسایگی اش با سه کشور عراق، ترکیه و جمهوری آذربایجان که دروازه ایران به اروپا و غرب است، جوانان تحصیل کرده دانشگاهی ما از پسر و دختر باید نگران کار و اشتغال باشند.» هرکس این سخنان را بشنود، بی‌گمان این تلقی را خواهد داشت که یک کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری، برای جلب رای و نظر مردم، با حرارت و هیجان این سخنان را بر زبان رانده است! و یا این احتمال را می‌دهد که یکی از منتقدین سرسخت دولت، گریبان دولتمردان را گرفته و آنان را در خصوص بیکاری مورد پرسش قرار می‌دهد! اما تعجب وقتی به اوج می‌رسد که بدانیم این سخن را شخص رئیس جمهور با هیجان و حرارت بیان کرده است! گویی ایشان فراموش کرده‌اند که سه سال است مسئول ایجاد شغل برای جوانان هستند! و معلوم نیست این حرفها را برای چه کسی می‌زند و یقه چه کسی را گرفته است؟! آیا جز این است که وزارت کار یکی از وزارتخانه‌های دولت است؟! آیا جز این است که شورای عالی اشتغال و سیاستگذاری در آن حوزه، مستقیماً به رئیس جمهور مربوط است؟! اکنون این جوانان بیکار، دقیقاً باید به چه کسی مراجعه کنند؟! آیا جز این است که باید به کسی مراجعه کنند که بیش از هزار وعده انتخاباتی داد و چیزی از آن را عملی نکرده است؟! و

واقعیت این است که نه تنها آن وعده‌ها عملی نشد، که هر دقیقه یک ایرانی هم به خیل بیکاران اضافه شد و از دستاوردهای مهم دولت یازدهم، بیکاری یک میلیون ایرانی بوده است! این یک رکورد تاریخی است رفت و آمد می‌کنند

پس اوضاع خوب است!

«ما امروز دارای شرایطی هستیم که شما می‌بینید شرکتها و کشورهای مختلف به طور مداوم در رفت و آمد با کشور عزیز ایران هستند. در همین ماه‌های اولیه برداشته شدن تحریم شاهد اولین قدم‌های سرمایه گذاری در کشور عزیزمان هستیم.» این سخن رئیس جمهور، همه پاسخ دولت دهم به مطالبات به حق مردم منتظر است! خارجی‌ها رفت و آمد می‌کنند! به نظر می‌رسد رئیس جمهور محترم، اساساً با چیزی به اسم تقویم آشنایی ندارد و نمی‌داند که سه سال از عمر دولت یازدهم گذشته و نمی‌توان بازهم به مردم وعده داد که با رفت و آمد خارجی‌ها، کارها به سامان می‌شود! به ویژه آنکه همین سخن یعنی رفت و آمد خارجی‌ها هم مدتهاست که تکرار شده و می‌شود و البته کسی توضیح نمی‌دهد که حاصل این رفت و آمد، برای یک نفر اشتغال ایجاد کرده یا نه؟! به قرارداد و ورود سرمایه منتهی شده یا نه و اصلاً تا کی باید شاهد رفت و آمدهای بی‌ثمر و بی‌فایده باشیم و عمر و فرصت غیرقابل برگشت ملت را به چشم انتظاری و دست روی دست گذاری سپری کنیم؟! بازهم زمان لازم است!

«مردم ما به خوبی آگاه هستند برای اینکه قدم‌های لازم حرکت اقتصادی را در این کشور برداریم، نیازمند زمان هستیم... امروز

در همین آغاز راه قدم به قدم در حال حرکت به سمت شرایط قبل از تحریم هستیم. ما به حول و قوه الهی امسال دارای رشد اقتصادی مناسب خواهیم بود.» ظاهراً سه سال برای رسیدن به آغاز راه هم کافی نبوده و رئیس جمهور، بازهم تمنای زمان می‌کند! آیا سه سال، برای عمل کردن به وعده صد روزه کم است؟! آیا دولت برای ارائه بسته تسهیل‌کننده کسب و کار که قرار بود شش ماهه تدوین و اجرایی شود، به زمانی بیش از شش برابر آن نیاز دارد؟! فراموش نمی‌کنیم که رئیس جمهور در روزهای اوجگیری تبلیغات، بی‌توجه به اینکه ممکن است رای بیاورد، پی‌درپی وعده‌های چند روزه و چند ماهه می‌داد و مدعی بود که از پشتیبانی بدنه دانشگاهی کشور و دانشمندان رشته‌های مختلف برخوردار است، اما امروز و با فرو خفتن غبارهای تبلیغاتی، می‌بینیم که هیچ برنامه‌ای در کار نبوده و هیچ خبری از وعده‌های پیشین نیست و البته بازهم این رئیس دولت است که از مردم تقاضا دارد! این بار تقاضای وقت بیشتر!

کشف مسئله اول بعد از سه سال!

اما یکی از بهترین سخنان رئیس دولت در آذربایجان غربی، وقتی بود که ایشان از مسئله مهم و اصلی کشور سخن گفت «مسئله اول کشور ما رونق اقتصادی و اشتغال جوانان است.» حقیقتاً کشف این موضوع به هر حال و علیرغم تاخیر بسیار، جای شکر و سپاس از درگاه خداوند متعال دارد و نباید به سادگی از کنار آن گذشت! اما همین دلخوشی هم دوام زیادی نمی‌آورد! چرا؟ چون رئیس جمهور به جای ورود اصولی و منطقی به ماجرا و ارائه راهکار و روش علمی و منطقی، بازهم به سراغ مسائل سیاسی می‌رود و راه اشتغال جوانان را در تنش زدایی سیاسی داخلی عنوان می‌کند! «اگر ما می‌خواهیم جوانان عزیز ما در مسیر اشتغال و کشور ما در مسیر رونق و تحول قرار گیرد، اول باید تنش‌زدایی داخلی داشته باشیم. برای مسایلی نه چندان مهم رو در روی هم نایستیم و کنار هم باشیم. دست به دست هم بدهیم.» اکنون باید از رئیس جمهور پرسید آیا رکود فراگیر و تعطیل بیش از 60 درصد صنایع، ناشی از عدم تنش‌زدایی داخلی است؟! بیکاری میلیونها هموطن، به خاطر وجود تنش است یا بخاطر بی‌عرضگی و بی‌برنامگی دولتمردان خسته و ناتوان دولت یازدهم؟! اساساً الان چه تنش‌هایی در کشور، مانع تحقق وعده‌های دولت است؟! دولت کدام برنامه را برای اجرا تدوین کرده، اما بدلیل تنش‌های داخلی متوقف شده که اکنون روحانی نسخه تنش‌زدایی می‌نویسد؟! آیا ایران دچار جنگ داخلی است؟! بزرگ‌ترین تکلیف دولت!

اما یکی از مهم‌ترین بخش‌های سخن رئیس‌جمهور، آنجایی بود که ایشان بدون توجه به تصریحات و تکالیف قانونی، حداکثر وظایف خود را اینگونه بر شمرد: «حل مشکلات آیین‌نامه‌ها، قوانین و مقررات وظیفه دولت بوده اما سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها و طرح‌های کشور به‌عهده بخش خصوصی و فعالان اقتصادی است و دولت حرکت خود را با کمک و نظر فعالان اقتصادی تسریع و تصحیح می‌کند.» این یک تقسیم کار عادلانه است! کارهای بسیار سخت با دولت و کارهای آسان به عهده مردم و بخش خصوصی! دقیقاً به همین علت است که باید حقوق چند ده میلیونی و حتی چند صد میلیونی را مدیران دولتی بگیرند و مردم، همان 45 هزار تومان یارانه را! وقتی کار سخت و طاقت‌فرسایی همچون حل مشکلات آیین‌نامه‌ها به عهده مردان سختکوش دولت قرار داده می‌شود، این مقدار حقوق‌ها چیزی نیست و باید بیش از این‌ها به آنها پرداخت کرد! و البته می‌توان امید و آرزو داشت که در اثر این فعالیت سخت و طاقت‌فرسا، بزودی همه مشکلات ایران و حتی اقصی نقاط جهان حل شود! البته مسائل کوچکی همچون تخصیص اعتبار و سرمایه‌گذاری باقی می‌ماند که لاجرم به‌عنوان کارهای پیش پا افتاده، به مردم تفویض می‌شود! ظاهراً آقای رئیس‌جمهور، از همه مرزهای لیبرالیستی و باز در دنیای غرب هم عبور کرده و باور ندارد که همه مدعیان اقتصاد بازار و اقتصاد آزاد، تمام قد و با همه وجود، در جای جای اقتصاد نقش دارند و مستقیماً ورود می‌کنند! کمک چند میلیارد دلاری آمریکا برای جلوگیری از ورشکستگی صنایع و بانک‌ها، نقش‌آفرینی پنتاگون در مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد آمریکا و کسب سهم عظیمی از اقتصاد آن کشور تنها دهنده ساده از این مدعا است. با این حال روحانی تیر خلاص را به آخرین کورسوی امید مردم می‌زند و می‌گوید: «اصولاً، احداث فرودگاه، کشیدن خط‌آهن، ساخت مسکن یا احداث اتوبان به‌عهده دولت نیست، بلکه دولت موظف به بهبود شرایط سرمایه‌گذاری و فضای کسب و کار و ارتقای روابط کشور با دولت‌های خارجی است تا امکانات لازم برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را فراهم آورد.» یعنی کل تکلیف دولت همین است!؟

اما اگر همین سخن را هم بپذیریم و قبول کنیم که دولت با این عرض و طول با هزاران مدیر میانی و ارشد و با میلیونها کارمند، صرفاً مسئول بهبود فضای کسب و کار و ارتقا روابط با دولت‌های خارجی، این پرسش مطرح می‌شود که پس چرا دولت همین یک کار را هم نکرده است؟! آیا در این سه سال بهبود فضای کسب و کار تحقق پیدا کرده؟! ارتقاء روابط با کشورهای خارجی چطور؟! آیا جز این است که جیبوتی و مالدیو هم با ما قطع رابطه کرده اند؟! آیا جز این است که دولت، روابط راهبردی با کشورهای آمریکای لاتین را از بغض دولت قبل رها کرد؟! آیا جز این است که توان صادرات به شدت کاهش یافته و نسبت به سال قبل 13 درصد افت را نشان می‌دهد؟! اینها ناشی از ارتقاء روابط با جهانیان است؟! در حوزه کسب و کار که وضع به مراتب بدتر است. از یک سو نقدینگی از مرز هزارهزار میلیارد تومان عبور کرده و از دیگر سو، صنایع کوچک و بزرگ یکی پس از دیگری ورشکسته و تعطیل می‌شوند! کارگران گروه‌گروه خانه نشین میشوند و سفره معیشت مردم کوچک و کوچک‌تر می‌شود! رکود حاکم بر صنایع و تولیدات، ناشی از اجرای همین سیاست‌ها نیست؟! آیا دولت با اجرای همین سیاست‌ها، موفق به زمینگیر کردن اقتصاد ملی شده است؟! کاش رئیس‌جمهور، لاف‌ها را عملی می‌کرد و بعد از سه سال به نطق درمانی خاتمه می‌داد و اندکی هم پا در راه اقدام عمل می‌گذاشت.